

بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر روند توسعه پایدار شهری در شهر اهواز

نبی‌اله ایدر^۱، بهزاد حکیمی‌نیا^۲

چکیده

این پژوهش با هدف مطالعه عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر روند توسعه پایدار شهری در شهر اهواز انجام شده است. روش این پژوهش کمی از نوع پیمایشی است. جامعه آماری شامل همه شهروندان ۱۵ تا ۶۰ ساله شهر اهواز بوده و نمونه آماری پژوهش به کمک فرمول کوکران به تعداد ۳۸۴ نفر برآورد شده و اطلاعات آماری پژوهش به وسیله پرسشنامه محقق ساخته به صورت سهمیه‌ای در میان شهروندان توزیع و اطلاعات با روایی بالایی جمع‌آوری شده است. در بحث نظری هم از رویکرد نظری توسعه درونزا استفاده شده است. نتایج آماری گویای وجود رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته است و تمامی ضرایب معنادار بوده است. برای سنجش اینکه آیا شاخص‌های اعتماد اجتماعی، فرهنگ کار، انگیزه و میل به پیشرفت، تعصب و تعلق به ویژگی‌های سنتی و بومی، اعتقادات مذهبی، تحصیلات و مشارکت اجتماعی شاخص‌های قابل قبولی برای توسعه پایدار در شهر اهواز هستند از یک مدل عاملی تاییدی بهره گرفته شده است که مجموعه برآوردهای استاندارد برای وزن‌های رگرسیونی شامل بارهای عاملی نشان می‌دهد که اثر شاخص‌های مذکور بر توسعه پایدار در اهواز معنادار است. در بین این شاخص‌ها تعهد اجتماعی با ضریب (۰/۷۸) بیشترین توان تبیین و مذهب با ضریب (۰/۱۶) کمترین توان تبیین توسعه پایدار را داشته‌اند.

واژگان کلیدی: اعتماد اجتماعی، فرهنگ کار، تحصیلات، مشارکت اجتماعی، توسعه پایدار، شهر اهواز.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۶/۰۶

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۰۸/۱۸

^۱ استادیار گروه علوم اجتماعی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران

^۲ دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول) (Email: hakiminya@gmail.com)

مقدمه

توسعه به معنای تغییر و تحول سابقه‌ای به قدمت عمر بشر دارد و انسان از بدو تولد به دنبال تغییراتی بوده است که در شکل و محتوای زندگی خود بوجود آورده که به بهبود اوضاع زندگی منجر شده است. اصطلاح «توسعه» به صورت فراگیر پس از جنگ جهانی دوم مطرح شده است. معنای لغوی توسعه خروج از «لفاف» است. در قالب نظریه‌نوسازی، لفاف همان جامعه سنتی و ارزش‌های مربوط به آن است. جوامع برای متجدد شدن باید از این مرحله سنتی خارج شوند (از کیا و غفاری، ۱۳۷۷: ۷). فرهنگ آکسفورد هم توسعه را به معنای رشد تدریجی برای پیشرفته‌تر شدن، قدرتمندتر شدن و حتی بزرگ‌تر شدن می‌داند (آکسفورد^۱، ۲۰۱۲). بنابر تعاریف توسعه را باید برحسب پیشرفت به سوی اهداف رفاهی نظیر کاهش فقر، بیکاری و نابرابری تعریف کنیم. به طور کلی، توسعه جریانی است که در خود تجدید سازمان و سمت‌گیری متفاوت کل نظام اقتصادی-اجتماعی را به همراه دارد (از کیا، ۱۳۸۷: ۷). توسعه علاوه بر اینکه بهبود میزان تولید و درآمد را در بردارد، شامل دگرگونی‌های اساسی در ساخت‌های نهادی، اجتماعی-اداری و همچنین ایستارها و دیدگاه‌های عمومی مردم است. توسعه در بسیاری از موارد، حتی عادات و رسوم و عقاید مردم را نیز در برمی‌گیرد. مایکل تودارو معتقد است که توسعه را باید فرآیندی چند بعدی دانست که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است (از کیا و غفاری، ۱۳۷۷: ۸).

پس از جنگ جهانی دوم، توسعه در مفهوم رشد سریع ابعاد کمی و مادی معرفی می‌شد. روستو یک نظریه‌فراگیری را در مورد توسعه تدوین کرد و او تولید ناخالص ملی^۲ را به عنوان معیاری برای سنجش رشد و توسعه کشورها مطرح و ادعا کرد که اگر ملل جهان سوم، خواسته‌های خود را برای کالاهای مصرفی افزایش دهند و به طور کلی برای کسب درآمد بیشتر برانگیخته شوند، به توسعه دست خواهند یافت (محسنیان‌راد، ۱۳۷۴: ۳۹). مباحث توسعه در جهت پاسخ و راه‌حلی برای حل مشکلاتی ایجاد شد که نتیجه آن حذف فقر و راه‌های مرتفع کردن آن و ایجاد رفاه برای همه اقشار یک کشور و حتی در سطح بین‌المللی بوجود آمد. دانشمندان، توسعه را فرایندی می‌دانند که تحولی مداوم در ابزار، قوانین و روابط مادی، معنوی و اجتماعی حیات به منظور دستیابی به تکامل جامعه و اهداف انسانی ایجاد نماید. در این تعریف مفاهیمی اعم از حرکت، تحول، کمی و کیفی بودن، حرکت از یک نظام سنتی به یک نظام مدرن نهفته است (اکبری، ۱۳۷۸: ۷). تقریباً سه دهه است که انقلاب زیست محیطی آغاز شده است، در واقع این انقلاب در دهه ۱۹۶۰ به وقوع پیوست. تا این زمان به طور سنتی، توسعه فقط با معیارهای اقتصادی سنجیده می‌شد و خسارات وارد شده بر محیط زیست و منابع طبیعی به حساب نمی‌آمد، اما پس از گسترش مسائل زیست محیطی در جهان بویژه در اروپا بحث توسعه پایدار مطرح شد.

حقیقت آن است که بحث توسعه پایدار، نخستین بار، به واسطه نگرانی‌های زیست محیطی مطرح شد و به علت نگرانی عمومی از تخریب محیط زیست ناشی از فعالیت‌های رشد محور مورد توجه جدی واقع شد. اما به مرور زمان دامنه این موضوع در ابعاد مختلفی گسترش یافت. تحول مهمی که در این مکتب به وقوع پیوست آن بود که مکتب توسعه پایدار، بسیاری از فروض اولیه و مفاهیم پارادایم اقتصاد نئوکلاسیک را مورد انتقاد قرار داد (پیغامی، ۱۳۸۸: ۱۷۸). اغلب اندیشمندان این حوزه اصول مبنایی توسعه پایدار در سطح کیفی زندگی، کیفیت رشد؛ فرهنگ کار، عدالت اجتماعی، اعتقاد به یک جامعه بین‌المللی، عدالت بین نسلی، بهبود ساختار حکومتی، ارتباط توسعه پایدار و تجارت و مسائل مالی توسعه پایدار می‌بینند.

توسعه به معنای تغییر و تحول سابقه‌ای به قدمت عمر بشر دارد و توسعه مبتنی بر برنامه‌ریزی آگاهانه برای پیشرفت جامعه پدیده منحصر به فرد قرن بیستم است که از ۱۹۱۷ در شوروی آغاز شد و در طول زمان بویژه بعد از جنگ جهانی دوم با نگرش‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است (علائی، ۱۳۸۴ در زاهدی، ۱۳۸۵: ۲). در گزارش‌های سالانه سازمان ملل که هر ساله در زمینه توسعه

¹ Oxford

² GNP

انسانی کشورها و جایگاه آنها منتشر می‌شود بر سه شاخص امید به زندگی هنگام تولد، تولید ناخالص ملی و سواد تأکید شده و به دیگر شاخص‌های فرهنگی توجه نشده است (دسجوکس^۱، ۱۹۹۰: ۲۱). گرچه اصطلاح توسعه پایدار در هنگام اعلامیه کوکوبوک در خصوص محیط زیست و توسعه در اوایل دهه ۱۹۷۰ به کار برده شده و نیز ریشه این اصطلاح به رویکرد توسعه اکولوژیک بر می‌گردد که در راهبرد حفاظت جهان آورده شده است (کوزن^۲، ۲۰۰۲: ۱۷۰)، لیکن شکل‌گیری آن به تشکیل کمیسیون مستقل جهانی در زمینه محیط زیست و توسعه و ارائه گزارش اصول توسعه پایدار قرار دارد. این گزارش موسوم به گزارش برانت‌لند که از اسم رئیس نروژی آن گرفته شده است، شامل مجموعه‌ای از پیشنهادهای اصول قانونی جهت دستیابی به توسعه پایدار برای کشورهای در حال توسعه است و توسعه پایدار را رفع نیازهای نسل حاضر بدون تضییع توانایی‌های نسل‌های آینده برای رفع نیازهایشان تعریف می‌کند. این تعریف ساده همچنین مبنای دستور کار، به عنوان یک طرح کار توسعه پایدار برای قرن ۲۱ است (رزلند^۳، ۲۰۰۳: ۱۹۷). فرایند شهرنشینی در نیمه اول قرن ۲۱، با سرعت بالایی ادامه خواهد یافت. سازمان ملل پیش‌بینی کرده است که ۶۱ درصد جمعیت جهان در سال ۲۰۳۰ شهرنشین خواهند بود. تا قبل از سال ۱۸۵۰، جمعیت شهری جهان از ۷ درصد هرگز فراتر نرفته بود (اتحادیه شهرها^۴، ۲۰۰۶: ۴۳). در داخل کشور نیز درجه‌های متفاوتی از توسعه وجود دارد و رده‌بندی استان‌های کشور به لحاظ مفاهیم در درجه‌بندی متفاوتی از هم قرار دارند، هرچند دارای کلیت مشابهی از نظر توسعه نیافتگی هستند (پورافکاری، ۱۳۸۹: ۲). استان خوزستان با وجود منابع غنی و بزرگ طبیعی خود به تنهایی برای توسعه یک کشور کافی به نظر می‌رسد، اما برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌ها به گونه‌ای بوده است که چالش‌ها در این استان همیشه برجسته‌تر از فرصت‌هایی پیش‌رو بوده است. مشکل اساسی در استان خوزستان نگرشی است که در باب تحول و توسعه در ذهن افراد نهادینه شده است و ادبیات توسعه در این استان مشکلی جدی برای آینده مباحث زیست محیطی و پایداری توسعه‌ای خواهد بود. بنابراین این پژوهش سعی دارد تا با بررسی همه جوانب، چالش‌ها و فرصت‌های انسانی توسعه پایدار در شهر اهواز به شناسایی و برجسته کردن عوامل بازدارنده و شتاب‌دهنده توسعه پایدار در این شهر پردازد. ناگفته پیداست که گام‌هایی در این زمینه برداشته شده است، اما این پژوهش می‌کوشد که اولاً بر یافته‌های عمیق؛ اما حداقلی تأکید بورزد که از دید همگان پنهان مانده است. به عبارت دیگر، هدف پرداختن به کلیات غیر قابل آزمون و کلانی نیست که بارها بدون پشتوانه نظری به آنها تأکید شده است. بسیاری اعتقاد به این دارند که توسعه امری ساختاری و افراد تأثیری در این روند ندارند، اما هدف اساسی این نکته است که ویژگی انسانی به عنوان عامل؛ چه از نوع شتاب‌دهنده و چه از نوع بازدارنده برجسته شده به آنها پرداخته شود. در ادامه سعی می‌شود یافتن این راهکارها و عوامل خود دست‌مایه‌ای برای برنامه‌ریزان اجتماعی باشد تا این که مکرر نقش آنها بدون داشته‌های نظری در وجود و عدم وجود توسعه، نقل محافل علمی و غیر علمی شود.

اهمیت و ضرورت پژوهش

شهرها در کشورهای در حال توسعه، مانند هم‌تایان صنعتی خود، با مشکلات قابل توجه‌ای مواجه‌اند. اغلب این شهرها ضمن درگیر بودن با مشکلاتی فراوانی از جمله کنترل نرخ رشد بی‌رویه جمعیت، قادر به برداشتن چنین موانعی نیستند. تمرکز زدایی مسئولیت‌ها و انتقال آن از سطوح ملی به سطوح محلی، در بهترین حالت یک فرایند ناهماهنگ و ناقص - اغلب با تخصیص منابع یا تفویض اختیار همراه نیست. از سوی دیگر، به همان میزانی که شمار افراد فقیر در شهرها افزایش می‌یابد، نابرابری در فرصت‌ها و درآمدها عمیق‌تر می‌گردد (اتحادیه شهرها، ۲۰۰۶: ۳۴). توسعه و رشد به مفهوم عمومی آن که در غرب متداول بود، عوارض زیست محیطی به دنبال آورد که در بخش‌های از جهان ادامه توسعه را غیر ممکن می‌ساخت. تخریب منابع آبی و آلودگی بیش از حد آن، آلودگی هوا، آلودگی صوتی و زباله در شهرها و چگونگی دفع زباله‌های اتمی، از جمله مسائلی بود که در گزارش «آینده مشترک ما»^۵ در سال

¹ Desjeux

² Cozens

³ Roseland

⁴ Cities Alliance

⁵ Our Common Future

۱۹۸۷ مطرح شد. در این گزارش که توسط کمیسیون جهانی توسعه پایدار برای سازمان ملل متحد درباره محیط زیست و توسعه تهیه شده بود، برای اولین بار اصطلاح توسعه پایدار وارد ادبیات زیست محیطی و پس از آن وارد ادبیات اقتصادی شد (مکنون، ۱۳۷۶: ۵). پس از آن بسیاری از سازمان‌های دولتی و غیر دولتی توسعه پایدار را به عنوان الگوی جدید توسعه مورد توجه قرار دادند. امروزه اصطلاح توسعه پایدار به طور گسترده به عنوان موضوع مورد بحث کنفرانس‌ها، موسسات تحقیقاتی و نهادهای بین‌المللی و به خصوص برنامه‌ریزان رشد و توسعه اقتصادی کشورها در آمده است. اهمیت این مسأله تا جایی است که توسعه و توسعه پایدار شهری طی دهه‌های اخیر به تدریج به پارادایم نوین و مسلطی در ادبیات نظری و علمی رایج در باب توسعه و برنامه ریزی تبدیل شده است. این پارادایم اگرچه ناظر به برداشت‌ها و تفسیرهای گوناگون است، اما در مجموع بر «پایداری» و استمرار توسعه برای همگان و نسل‌های آینده طی زمان و بر همه جانبه نگرایی ابعاد پیچیده اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی فرآیند توسعه در سطح یک کشور یا شهر تأکید دارد (رهنمایی و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۷۴) و این مسأله زمینه واکاوی علمی و پژوهشی هر چه بیشتر در این مورد را طلب می‌کند. وجود منابع فراوان نفتی و گازی در ایران بویژه در خوزستان خود گامی بزرگ در توسعه است، به ریان ساده‌تر توسعه در کشور ما جدای از وضعیت زمانی امری حتمی است؛ یعنی فقط زمان وقوع آن نامشخص است و درآمدهای کلان نفتی و گازی مسیر را هموارتر خواهد کرد، اما مسأله اصلی حفظ و نگهداشت این منابع برای آیندگان است. ما بدون زیرساخت‌های فکری آیند نگرانه و صرف بیش از حد منابع طبیعی خیانت بزرگی در حق آیندگان مرتکب شده‌ایم. در اینجا ضرورت انجام پژوهش‌هایی در راستای پرداختن به عوامل انسانی و نقش آنها در توسعه پایدار به شدت احساس می‌شود، با این تفاسیر سعی بر آن است تا با شناسایی متغیرهای انسانی و اجتماعی، عوامل شتاب دهنده و بازدارنده برجسته شوند. در این راستا ضروری است بیش از پیش به عوامل شتاب دهنده توجه و اثر عوامل بازدارنده در حد امکان کاهش داده شود. از آنجا که توسعه موضوعی جامع نگر است که آرمان‌های انسانی را در خود جای می‌دهد. بی تردید در مفهوم توسعه پایدار انسان محور است و همه جوانب زندگی انسان در زمینه‌های صنعتی، منابع طبیعی، سیاسی، اخلاقی، آموزشی، امنیتی، زیست محیطی و غیره باید دچار تغییر و تحول شود. امروزه بسیاری از جوامع به منظور تقویت پایه‌های توسعه و رفع و تعدیل عدم تعادل‌ها و انبوه مسائل و مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی‌شان، بیش از هر زمان دیگری نیازمند برنامه‌ریزی و شناسایی امکانات و منابع بالفعل و بالقوه‌شان هستند. این پژوهش در این راستا به دنبال گام‌هایی است که این مسیر را کوتاه‌تر و هموارتر نماید، چرا که پرداختن به مقوله‌های انسانی اثرگذار بر توسعه خود شاکله اصلی پژوهش بوده و نمی‌توان به سادگی اهمیت برخی متغیرهای اجتماعی و انسانی در فرایند توسعه پایدار نادیده گرفت.

سوالات پژوهش

- ۱- آیا اعتماد اجتماعی افراد شاخص قابل قبولی برای توسعه پایدار در شهر اهواز است؟
- ۲- آیا فرهنگ کار افراد شاخص قابل قبولی برای توسعه پایدار در شهر اهواز است؟
- ۳- آیا تعهد اجتماعی افراد شاخص قابل قبولی برای توسعه پایدار در شهر اهواز است؟
- ۴- آیا انگیزه و میل به پیشرفت افراد شاخص قابل قبولی برای توسعه پایدار در شهر اهواز است؟
- ۵- آیا میزان تعصب افراد شاخص قابل قبولی برای توسعه پایدار در شهر اهواز است؟
- ۶- آیا میزان مذهبی بودن افراد شاخص قابل قبولی برای توسعه پایدار در شهر اهواز است؟
- ۷- آیا تحصیلات افراد شاخص قابل قبولی برای توسعه پایدار در شهر اهواز است؟
- ۸- مشارکت اجتماعی افراد شاخص قابل قبولی برای توسعه پایدار در شهر اهواز است؟

مروری بر پیشینه پژوهش

صادقی ده چشمه (۱۳۸۰) در پژوهشی با عنوان بررسی جامعه شناختی مسأله اجتماعی - فرهنگی توسعه در شهرستان فارسان به بررسی عوامل بازدارنده اجتماعی و فرهنگی توسعه پرداخته است. در این پژوهش نتایج گویای وجود رابطه معنادار بین

عوامل اجتماعی - فرهنگی و عدم توسعه در این شهر است. همچنین در این منطقه، باید دید گاهها و بینش های منفی که در جامعه به فراوانی مشاهده می گردد، اصلاح گردد و به منطقه، ابزار عقلانیت، انتقاد، شادی، و از همه مهمتر توجه به امور دنیایی و بالخصوص سایه روش هایی از مدرنیته تزریق گردد.

- پرانک و محبوب (۱۳۸۰) در پژوهشی توسعه پایدار را فرایندی می دانند که در آن سیاست های اقتصادی، مالی، تجاری، انرژی، کشاورزی، صنعت و سایر سیاست ها به نحوی طراحی می شوند که موجب توسعه ای است که از لحاظ اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیکی پایدار است و مفهوم آن انجام سرمایه گذاری کافی در زمینه آموزش، بهداشت، محیط و انرژی است، به طوری که بدهی اجتماعی برای نسل آینده بوجود نیاید.
- زاهدی (۱۳۸۲) در پژوهشی با عنوان چالش های توسعه پایدار از منظر اکوتوریسم، انواع توریسم را از نظر پایداری؛ به توریسم پایدار و توریسم ناپایدار تقسیم کرده و از گونه های مختلف توریسم، اکوتوریسم را بیش از سایر گونه های توریسم با توسعه پایدار سازگار دانسته است. وی ضمن بررسی عوامل انسانی نقش عوامل طبیعی را در بحث توسعه پایدار بسیار پررنگ تر می داند و از جمله می توان به گردشگری پرداخت. از نظر او توسعه و گردشگری در تعامل و ارتباطی دو طرفه با هم دیگر قرار دارند و هر کدام تاثیر به سزایی بر دیگری دارد.
- قرخلو وحسینی (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان شاخص های توسعه پایدار شهری شهرها را به عنوان عامل اصلی ایجادکننده ناپایداری در جهان به شمار می آورند و در واقع پایداری شهری و پایداری جهانی را مفهومی واحد می دانند. بر این اساس با توجه به پیچیدگی ذاتی شهرها و ابعاد مختلف تاثیر گذاری آنها، شناخت عوامل اصلی و کلیدی در جهت دستیابی به پایداری شهری، یک از ضروریات مطرح شده است.
- تقوایی و صفرآبادی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان توسعه پایدار شهری و برخی عوامل موثر بر آن در شهر کرمانشاه، هدف اصلی توسعه پایدار تأمین نیازهای اساسی، بهبود سطح زندگی، اداره بهتر اکوسیستم ها و آینده امن بیان کرده اند. نتایج این بررسی نشان داده است که ۵ عامل سلامت شهری، سیستم دولتی مطلوب، محیط زیست پایدار، ساختار آموزشی و خرسندی و شادمانی می توانند مهمترین عوامل پایداری شهری در کرمانشاه و در دستیابی به توسعه پایدار شهری نقش ویژه ای را به عهده داشته باشند.
- فدریک^۱ و همکاران (۱۹۹۹)، در بررسی ارتباط بین رشد و توسعه اقتصادی و سرمایه اجتماعی نشان دادند تمام ابعاد سرمایه اجتماعی با یکدیگر برابر نیستند و مطمئناً برخی از ابعاد سرمایه اجتماعی به منظور توسعه اقتصادی، مناسب تر از ابعاد دیگر آن هستند.
- گیسون^۲ (۲۰۰۱) در پژوهشی احتیاط در بهره برداری از منابع را از الزامات اصلی پایداری و توسعه پایدار می داند. از نظر او توسعه پایدار در جهان بسته به مکان های مختلف سیستم های پیچیده ای را دنبال می کند. بدون نگاه آینده نمی توان توصیف مناسبی از توسعه داشت و پایداری بدون احتیاط و سازگاری مقدور نیست. پیشرفت های فناورانه ایمن در محیط زیست همراه با مهارت های تخصصی و حصول اطمینان از گزینه های انرژی جایگزین و همچنین ایجاد نهادهای پاسخگو در مسایل زیست محیطی از مکانیسم های موثر در دستیابی به پایداری محیط است.
- فرانکوئیس^۳ (۲۰۰۲) در کتاب خود با عنوان «سرمایه اجتماعی و توسعه» اعتماد متقابل و همکاری افراد را به عنوان معیاری برای مدل سازی ارتباط بین سرمایه اجتماعی و توسعه در نظر گرفته است. در این راستا مقوله هایی مانند درجه قابلیت اعتماد و مشارکت مسئولان از تعیین کننده های توسعه جوامع تلقی شده اند.

¹ Fedderke

² Gibson

³ François

- گروتاерт^۱ و همکاران (۲۰۰۲) در مطالعه خود با عنوان «نقش سرمایه اجتماعی در توسعه» بیان می‌کند که مطالعات مقطعی بین کشورها حاکی از ارتباط قوی بین اعتماد و رشد است. این نتیجه موجب تقویت یافته‌های قبلی شد که حتی در کوتاه مدت بین اعتماد و رشد رابطه معناداری وجود دارد. در سطح روستاها مطالعات نشان می‌دهد که صداقت، وفاداری و همیاری در بین مردم فقیر زیاد است و بسیاری از کاستی‌ها را پوشش می‌دهد. همچنین آنها اشاره می‌کنند که یکی از مطالعاتی که در سطح خانواده صورت گرفته است، نشان می‌دهد سرمایه اجتماعی احتمال فقیر بودن یک خانواده فقیر را ۳۶/۷ درصد کاهش و در مقابل احتمال ثروتمند شدن را در بین ثروتمندان فقط ۴ درصد افزایش می‌دهد.
 - رابرتسون^۲ (۲۰۰۵) در پژوهشی با عنوان اقتصاد جدید در توسعه پایدار، مفهوم توسعه پایدار را تئوری‌های اقتصادی تبیین می‌کند و اعتقاد دارد آن چیزی که امروز از آن به عنوان پایداری یاد می‌شود، شیفت شدن توجه‌ها به دستاوردهای اقتصادی بیشتر بر پایه هزینه‌های کمتر است. در نهایت پایداری در این شیوه اقتصادی، فقط سیاستی برای توجیه برداشت متفاوت از منابع جدیدتر است.
 - کمپ و پرتو^۳ (۲۰۰۵) در پژوهشی با عنوان حکمرانی برای توسعه پایدار به بررسی نقش عناصر سیاسی در فرایند توسعه پایدار پرداختند. آنها به بررسی و توضیح عناصر اصلی توسعه پایدار و حکومت با توجه به روابط متقابل خود به عنوان زمینه اصلی در پارادایم توسعه پایدار در یک دهه گذشته پرداخته‌اند. از نظر آنها پایداری به عنوان فرایندی اجتماعی در جهت انطباق با عناصر در حال تغییر جامعه لازم و ضروری است. نتایج نشان می‌دهد عناصر اصلی حکمرانی که به معنای مفهوم مدیریت یکپارچه بوده است، برای سیاستگذاری در پیشرفت به سوی توسعه پایدار بوده است.
 - پرایز و ویلیام^۴ (۲۰۰۶) در پژوهشی با عنوان خدمات اقتصادی حکومت؛ نگرشی اقتصادی بر توسعه پایدار گزارشی نهایی از خدمات اقتصادی و نقش آنها در توسعه پایدار ارائه کرده‌اند. از نظر آنها توسعه پایدار در شرایطی از تجزیه و تحلیل هزینه‌ها و منفعت اجتماعی مطمئن با سیاست‌های سازگار با توسعه پایدار حاصل خواهد شد.
 - آنچورنا و آنجویز^۵ (۲۰۰۸)، در پژوهشی با عنوان شبکه‌های اجتماعی و توسعه اقتصادی با بهره‌گیری از مدل تعادل عمومی به بررسی تاثیر شبکه‌های اجتماعی (شاخصی برای اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی) روی توسعه اقتصادی ۲۷ کشور پرداختند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که ۱- ناهمسانی در تعداد گره‌های اجتماعی می‌تواند سبب ناهمسانی در درآمد سرانه کشورها شود. ۲- محاسبه انجام شده نشان داد که، کشورهای مورد مطالعه بدون وجود سرمایه اجتماعی تنها به ۱/۲ و ۳/۴ از میزان درآمد سرانه خود دست خواهند یافت. ۳- سرمایه اجتماعی می‌تواند کارایی سرمایه انسانی و یا بهره‌وری نیروی کار را افزایش دهد. ۴- آنها اعتقاد دارند که افزایش در بهره‌وری می‌تواند سبب کاهش رفاه شود و این زمانی اتفاق می‌افتد که شبکه‌های اجتماعی هماهنگ، با هم شکل نگیرد. ۵- گره‌های اجتماعی که نشان دهنده سرمایه اجتماعی هستند، می‌توانند سبب کاهش در هزینه مبادله شوند.
- به عنوان جمع‌بندی پیشینه باید گفت که توسعه از جمله مسائلی است که نظر محققان اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را به خود جلب کرده است و در گوشه کنار جهان این متغیر با رویکردهای مختلفی بررسی و تحلیل شده است. همچنین امروزه در این باب تلاش‌های زیادی صورت گرفته است که هر کدام به بررسی ابعادی از موضوع، جامعه‌ای خاص و زمانی متفاوت پرداخته‌اند، اما مفهوم توسعه به ویژه توسعه پایدار، هنوز از مسایل درجه اول برخی کشورهاست. این پیشینه در دو بخش داخلی و خارجی بررسی شده است. در بررسی‌های داخلی عمدتاً موانع فرهنگی و سیاسی برجسته تر از سایر موانع بوده و در پژوهش‌های خارجی بیشتر بر

¹ Grootaert

² Robertson

³ Kemp & Parto

⁴ Prize & Williams

⁵ Anchorena & Anjos

پایداری تاکید شده است و اغلب پژوهش‌های داخلی مفهوم توسعه و توسعه پایدار را در یک راستا می‌بینند. نکته قابل توجه مکان انجام این پژوهش‌هاست در پیشینه خارجی است که می‌توان آن را در دو دسته تقسیم کرد. عمده پژوهش‌هایی که در مناطق توسعه یافته انجام شده توجه آنها بر پایداری منابع برای آینده است و پژوهش‌هایی که محدوده مطالعه آنها مناطق در حال توسعه است، مقوله مرکزی آنها پیشرفت و توسعه بوده است.

چارچوب نظری پژوهش

تا دهه ۹۰ عمده نظریه‌های توسعه دیدگاه‌هایی سطحی نگر و حتی متناقض درباره نقش روابط اجتماعی در توسعه اقتصادی داشتند و توصیه‌های سیاستی آن‌ها چندان قابل استفاده نبود (مور^۱، ۱۹۹۷). البته این دیدگاه‌ها، بعدها جای خود را به نظریه‌های وابستگی^۲ و نظام جهانی^۳ دادند. مور و اسکوبار معتقد بودند که روابط اجتماعی در بین نخبگان حقوقی و سیاسی، ساز و کار اصلی استعمار توسط سرمایه‌داران است. در این بین دیدگاه‌هایی همچون دیدگاه اجتماع‌گرایی^۴ نیز وجود داشتند که بر سودمندی و خودکفایی اجتماعات تاکید داشتند و جنبه‌های منفی تعهدات گروهی را دست کم می‌گرفتند و اهمیت روابط اجتماعی در ساختن نهادهای رسمی موثر و پاسخگو را نادیده می‌گرفتند. توسعه پدیده جدیدی نیست، بلکه با انسان زاده می‌شود و همراه با تکامل زندگی اجتماعی انسان رشد کرده و هرگز از آن جدا نبوده است (ضرابی و تبریزی، ۱۳۹۰: ۶۴). از دیدگاه طبیعی سابقه توسعه همزمان با تحولات زمین‌شناسی است و از منظر اجتماعی برابر با ظهور جوامع بشری اولیه است. (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۴: ۵۸) اما توسعه به عنوان یک موضوع علمی و مسأله اجرایی، تقریباً بعد از جنگ جهانی دوم مطرح شد. از آن زمان تاکنون با توجه به تنوع مفاهیم و دیدگاه‌ها در زمینه توسعه، نظریه‌ها و الگوهای متعددی درباره توسعه و توسعه نیافتگی مطرح شده و در هر دوره‌ای یک یا چند الگو به عنوان الگوهای مسلط عمل کرده است (رضوانی، ۱۳۸۳: ۸۳). اندیشمندان مختلف، متناسب با ذهنیت‌ها، شرایط و بافت اجتماعی جامعه خود (یا جوامع مورد مطالعه)، مکاتب مختلفی را ابداع نموده و آن را به دیگران پیشنهاد کرده‌اند.

مفهوم توسعه دارای ابعاد متنوعی است که در روند بررسی آن پرداختن به تمام ابعاد در یک کار پژوهشی لازم و ضروری به نظر نمی‌رسد، اما در این پژوهش محققان با پرداختن به مهمترین ابعاد آن بررسی ساختارمندی از این موضوع انجام داده است. نظریات توسعه در گذشته اساساً بر رشد اقتصادی، پایه‌گذاری شده است، در حالی که توسعه، روندی است جامع و فراگیر که تمامی وجوه زندگی انسان را در بر می‌گیرد. از این جهت توسعه واقعی، توسعه‌ای است متوازن که در آن حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی به صورت اجزای به هم پیوسته در یک کل، به گونه‌ای همزمان تحول می‌یابد (هریسون، ۱۳۷۶: ۱). توسعه پایدار دارای ابعاد و مولفه‌های متفاوتی است. ابعاد محیطی، اقتصادی و اجتماعی، ابعاد متفاوت توسعه پایدار را تشکیل می‌دهند. در بعد محیطی مسأله سرمایه طبیعی، در بعد اقتصادی سرمایه فیزیکی و در بعد اجتماعی سرمایه‌های انسانی و اجتماعی مدنظر قرار می‌گیرند. بنابراین توجه به بحث سرمایه اجتماعی در حقیقت توجه به یک بعد بسیار مهم از توسعه پایدار است (صمدی، ۱۳۸۸: ۱۱۹). توسعه پایدار بیشتر، فرآیند دگرگونی رابطه سیستم‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را بیان می‌کند. در ارتباط با توسعه، عوامل جمعیتی به خودی خود نمی‌توانند عاملی برای حرکت جوامع به سوی توسعه پایدار باشد، بلکه کشف استعداد، پتانسیل و مهارت و آموزش باعث بهبود و ترفیع نماگرهای توسعه پایدار می‌شود.

مفهوم نظری توسعه پایدار ناظر بر این واقعیت انکارناپذیر است که ملاحظات مربوط به اکولوژی می‌تواند و باید در فعالیت‌های اقتصادی به کار گرفته شود. این ملاحظات شامل ایده ایجاد محیطی منطقی است که در آن ادعای توسعه به منظور پیشبرد کیفیت همه جانبه زندگی مورد چالش قرار می‌گیرد (بلانت و جکسون، ۱۳۷۳: ۳۴). از سوی دیگر، توسعه پایدار به زبان فنی، مسیری از توسعه

¹ Moore

² Dependency Theory

³ World System Theory

⁴ Communitarian

است که در آن بهینه سازی رفاه برای نسل امروز به کاهش رفاه نسل های آینده منجر نمی شود. قرار گرفتن در این مسیر مستلزم از بین بردن زیاده روی هایی است که موجب کاهش منابع طبیعی و تخریب محیط زیست می شوند. پانایوتو استاد دانشگاه هاروارد از توسعه پایدار به عنوان مفهومی بانکی یاد می کند. توسعه ای که همانند پس انداز ارزش مثبت دارد و موجب کامیابی و رفاه بشر در آینده می شود (میرآب زاده، ۱۳۷۴: ۴۰). توسعه پایدار همچنین بر اهمیت وجود چشم انداز بلند مدت در مورد نتایج فعالیت های امروز همکاری جهانی بین کشورها برای رسیدن به راه حل های ماندگار تاکید می کند (نوابخش و ارجمند سیاه پوش، ۱۳۸۸: ۱۹۴). امروز توسعه پایدار به عنوان الگو واژه جدید در جهان مطرح شده است. ریشه های توسعه پایدار به نارضایتی از نتایج توسعه و رشد اقتصادی در جوامع شهری و روستایی از منظر بوم شناسی (اکولوژی) بر می گردد. این الگو درصدد است با الگوهای تولید، توزیع و مصرف ناسازگاری با طبیعت به مقابله بپردازد از اتمام منابع و تخریب محیط زیست جلوگیری کند و تنها فرایندی توسعه ای را تایید می کند که بهبود کیفیت زندگی انسان ها در حد ظرفیت پذیرش نظام های پشتیبان حیات منجر شود.

توسعه شهری به عنوان یک مفهوم فضایی را می توان به معنی تغییرات در کاربری زمین و سطوح تراکم جهت رفع نیازهای ساکنان شهری در زمینه مسکن حمل و نقل، اوقات فراغت و غذا و غیره تعریف کرد یا توسعه ای است که تمام جنبه های اجتماعی، اقتصادی و ... را در شهر با هم پیش می برد و توسعه پایدار شهری نگهداری منابع برای حال و آینده از طریق استفاده بهینه از زمین و وارد کردن کمترین ضایعات به منابع تجدید پذیر مطرح است. توسعه پایدار شهری موضوع های جلوگیری از آلودگی های محیط شهری و ناحیه ای، کاهش ظرفیت های تولید محیط محلی - ناحیه ای و ملی، حمایت بازیافت، عدم حمایت از توسعه های زیان آور و از بین بردن شکاف میان فقیر و غنی را مطرح می کند همچنین راه رسیده به این اهداف را با برنامه ریزی شهری و روستایی، ناحیه ای، ملی و حمایت همه جانبه دولت از این برنامه ریزی ها می داند (زیاری، ۱۳۸۲: ۱۷).

برای عینیت یافتن هدف های توسعه پایدار شهری، باید به همه ابعاد در تمامی سطوح توجه کافی مبذول شود. هر یک از ابعاد و سطوح که از نظر دور بماند، فرآیند توسعه پایدار را با اختلال مواجه می کند. در این مفهوم جامعه انسانی به عنوان یکی از زیر نظام های محیط زیست مورد توجه است. بنابراین بدون توجه، شناخت و حمایت از زیر نظام های محیط زیست - که جامعه انسانی جزئی از آن است - توسعه پایدار غیر ممکن خواهد بود. زیرا جامعه انسانی به دلیل نوع تعامل و ارتباطی که با محیط زیست دارد، از مهمترین زیر نظام های تشکیل دهنده زیست کره به شمار می آید (مرصوصی، ۱۳۸۳: ۲۱).

ابعاد توسعه پایدار

با بررسی ابعاد توسعه پایدار این امر در حیطه توانایی جمعی جامعه شناسان است که جوامع سالم و پایداری ایجاد کنند که منافع تمام انسان ها در آنها رعایت خواهد شد. چنین جوامع پایداری مبتنی بر چند اصول مرکزی خواهد بود که توسعه پایدار از منظر مفهومی دارای ابعاد و سطوح چند گانه ای می دانند. برخی از این ابعاد در آرای بسیاری از نظریه پردازان این حوزه تحلیل و تبیین شده اند.

انگیزه و میل به پیشرفت

نظریه انگیزه میل به پیشرفت را اولین بار مک لند مطرح کرد و سعی داشت ساخت های شخصیتی را با تأکید بر خصیصه نیاز به پیشرفت و خلاقیت در مسیر تاریخ بررسی و ارتباط آن را با توسعه اقتصادی - اجتماعی تبیین کند. او معتقد است برای تحقق نوسازی به یک سلسله تغییرات مثبت در ساخت شخصیتی کنشگران اجتماعی نیاز است. علت توسعه اقتصادی بالای غرب نیاز بیشتر آنها به پیشرفت و تمایلشان به انجام دادن اعمال منطقی و معطوف به توسعه بوده است. نوسازی نتیجه تعامل بین ساخت های شخصیتی خلاق و پیشرفت گراست (عبری، ۱۳۹۰: ۷۰). به اعتقاد او تنها عامل اساسی نوسازی انگیزه نیاز به پیشرفت نیست، بلکه این عامل یکی از عوامل کلیدی آن است. این انگیزه در نتیجه توسعه تعلیم و تربیت، تکنولوژی و با رشد اقتصادی فراهم نمی آید و یا دست کم نمی تواند نتیجه مستقیم آن باشد (لوتانز، ۱۹۸۸: ۱۰). مک لند^۱ سعی دارد بین خلاقیت، مخاطره جویی، اوقات فراغت، مناسبات و

^۱ McClelland

تعهد شغلی، اهداف فردی و میزان انگیزه پیشرفت ارتباط برقرار کند. وی معتقد است که انگیزه میل به پیشرفت یک خصیصه نسبتاً ثابت است که در تجربیات دوران کودکی ریشه دارد (مک‌لند، ۱۹۷۸: ۲). بررسی انگیزه نیاز به پیشرفت در میان عموم نشان داده است که در بسیاری از موارد، این انگیزه در یک کشور مقدم بر رشد اقتصادی بوده است و همچنین، قبل از آنکه آهنگ رشد کند شود این انگیزه تقلیل یافته است (مک‌لند، ۱۹۷۸: ۱۱).

شخصیت خلاق

هیگن^۱ تحولات جوامع سنتی و مدرن را برحسب ساختار شخصیتی افراد آن جوامع تبیین کرده است. از نظر او بین شخصیت و ساختار اقتصادی - اجتماعی هر جامعه ارتباط متقابل وجود دارد. هیچ تغییر اجتماعی بدون دگرگونی در شخصیت‌های افراد جامعه حاصل نخواهد شد (عبری، ۱۳۹۰: ۶۴). او معتقد است که شخصیت در جوامع سنتی، شخصیت اقتدار طلب است؛ حال آنکه افراد در جوامع پیشرفته، دارای شخصیت نوآور هستند (هیگن، ۱۹۶۷: ۳۱). بنابراین، پیشرفت اقتصادی و دستاوردهای تکنولوژیکی از عمل افرادی منتج می‌شود که دارای درجات مختلف خلاقیت و نوآوری هستند. (هیگن، ۱۹۶۷: ۹۵). در این معنا، خلاقیت خصیصه‌ای نیست که تنها به گروه خاصی اختصاص داشته باشد، بلکه تحت شرایط اجتماعی معین تقویت می‌شود (عبری، ۱۳۹۰: ۶۶).

اقتصاد

وضعیت اقتصادی، که تا حدی تعیین کننده شرایط اجتماعی و طبقه بندی خانواده است و با انگیزه پیشرفت و توسعه ارتباط دارد. از نظر مک‌لند پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده عامل مهم تعیین کننده انگیزه پیشرفت فرزندان است. به این معنا که فرزندان در خانواده‌های طبقه متوسط، نسبت به فرزندان در خانواده‌های طبقه پایین دارای انگیزه پیشرفت بالاتری هستند. اعضای خانواده‌های طبقه متوسط برای رسیدن به اهداف بالاتر کار می‌کنند و بر حسب افق‌های زمانی طولانی‌تر فکر می‌کنند. مشاغل این خانواده‌ها، که نیازمند این برنامه‌ریزی بیشتری برای آینده است، به دوره آموزشی طولانی‌تر نیاز دارد. اما در خانواده‌هایی که اعضای آن دارای مشاغل سطح پایینتری هستند برنامه ریزی بر حسب مخارج خانوار صورت می‌گیرد و دریافت حقوق یا درآمد به صورت هفتگی است. فرزندان خانواده‌های متوسط، در حرکت و تلاش به سوی پیشرفت، کمتر دچار شکست می‌شوند، زیرا اهمیت آینده خویش را، بر حسب محرومیت یا عدم محرومیت و از پاداش‌های احتمالی آینده، تشخیص می‌دهند. حال آنکه، فرزندان طبقه کارگر، که بیشتر به منافع آنی فکر می‌کنند تا منافع آتی، تنها زمانی که دارایی یا پاداش‌های مالی واقعی شان تهدید می‌شود انگیزه پیرفتشان افزایش می‌یابد (مک‌لند و همکاران، ۱۹۶۱: ۳۷۹).

مشارکت

مشارکت در برنامه‌های توسعه بعد از جنگ دوم، دغدغه‌های عملی بسیاری از دولتمردان کشورهای در حال توسعه شده است. از نظر مایکل تودارو^۲ یکی از استدلال‌ها و دلایل اصولی کشورها برای برنامه‌ریزی توسعه، جلب مشارکت و کمک‌های ذهنی و عملی مردم در راستای رفع جهل، فقر و ... بوده است (تودارو، ۱۳۸۲: ۴۴۸). اهمیت بحث مردم و مشارکت آنها در توسعه به حدی رسیده است که تصور توسعه بدون مبناهای فرهنگی مردمی، تقریباً برای همگان محال شده است. امروزه به دلیل اهمیت مفهوم مشارکت و سنت‌های مدنی مردمی در امر توسعه، برخی از محققان توسعه را مترادف مشارکت می‌دانند (طالب، ۱۳۸۳: ۱۱۸). در گفتارها و نوشته‌ها دیده می‌شود که واژه‌های توسعه مشارکت و سرمایه اجتماعی در ارتباط مستقیم با یکدیگر هستند یا حتی به جای یکدیگر به کار می‌روند. برخی این مفاهیم را با یکدیگر ترکیب کرده‌اند و اصطلاح پارادایم توسعه مشارکتی را به کار می‌برند (لرنر، ۱۹۶۴ در عبری، ۱۳۹۰: ۲۸۳). بدون تردید اگر در گذشته مشارکت برای توسعه یک ضرورت عقلانی بوده است، امروزه به سان ضرورت اخلاقی و انسانی جلوه می‌کند. مشارکت یکی از ارزش‌های انسانی و اخلاقی مورد تایید است که با خود عنصری از مسئولیت پذیری و عمل آگاهانه و آزادانه را حمل می‌کند. لفظ مشارکت با پذیرش عدالت و اصل برابری مردم مرتبط است. بنابراین توسعه واقعی

^۱ Hagen

^۲ Michael Todaro

زمانی حاصل می شود که در خدمت تحقق این ارزش و هدف اخلاقی و انسانی باشد. از این منظر، مشارکت دیگر یک عامل توسعه در کنار عوامل دیگر به حساب نمی آید، بلکه هدفی بزرگ است که توسعه درصدد رسیدن به آن است (عنبری، ۱۳۹۰: ۲۸۴).

شهرنشینی

اولین مرحله در فریند تکامل جامعه مشارکتی، شهرنشینی است. انتقال جمعیت از نواحی حاشیه‌ای به مراکز شهری به گسترش نیازها کمک می کند. در نتیجه شرایط را برای صعود و خیز به سوی مشارکت گسترده فراهم می سازد. شهرها به جمعیتی نیاز دارند که اغلب متخصص باشند و بتوانند به طور موثر و کارا فعالیت کنند. از این رو عمده جمعیت شهری نیازمند سواد هستند. زیرا در سازمان جامعه شهری، میزان مناسبی از سواد برای خواندن و نوشتن عناوین، برچسب‌ها، امضای چک‌ها و کاغذهای اعتباری، سوارشدن در ترن‌های زیرزمینی و غیره ضروری است. ابتدایی‌ترین کارکرد اجتماعی-اقتصادی سواد این است که درک کسب برخی مهارت‌های اجتماعی را تسهیل می کند. با اکتساب مهارت‌ها، تلاش‌های اضافی و ناکارآمد انسانی به حداقل می‌رسند. در سطحی بالاتر، کارکرد سواد، آموزش نیروی کار ماهر، متناسب با نیاز جامعه پیچیده صنعتی است. شهرها ابزار ماشینی لازم برای تولید را به وجود می‌آورند. افزایش شهرنشینی در هر جامعه به افزایش سواد و مشارکت رسانه‌ای و جمعی دامن می‌زند (عنبری، ۱۳۹۰: ۳۲۵).

تحصیلات

سواد و تحصیلات یکی از ابزارهای موثر برای گسترش مصرف تولیدات شهری فراسوی مرزهاست. با گسترش سواد، نظام ارتباطی مکتوب و پستی به جای نظام توزیع پیشین می‌نشیند، چرا که افراد به اندازه کافی قدرت خواننده نشریات و نوشتن نامه را دارند. سواد، که خود مهارت اساسی ضروری برای یک سیستم رسانه‌ای است، به گسترش تولید و مصرف رسانه‌ای می‌انجامد. سواد، تقاضای ارتباطات غیر شخصی و تصویری را افزایش می‌دهد. در جوامعی که حدود ۲۵ درصد شهرنشین هستند، بالاترین رابطه مصرف رسانه‌ای با متغیر سواد را دارند (لرنر، ۱۹۶۴: ۶۲). بنابراین بین تحصیلات و رشد رسانه‌ای رابطه متقابل وجود دارد. به این معنا که سواد، رسانه‌ها را توسعه می‌دهد و رسانه‌ها به نوبه خود به گسترش سواد کمک می‌کنند. پس سواد هم شاخص و هم عامل بسط مشارکت جمعی و اطلاعاتی است. سواد، محور جامعه شناختی در حرکت جسمی و مهارت مشترکی است که زندگی متنوع انسان را با سبک زندگی مشارکتی همساز می‌کند (لرنر، ۱۹۶۴: ۶۴ در عنبری، ۱۳۹۰: ۸۷).

تنوع قومی

نوسازی و توسعه اقتصادی در کشورهایی که از تنوع قومی برخوردارند، منجر به جریانی می‌شود که نیلسن^۱ تقسیم کار فرهنگی می‌نامد. در این تقسیم کار فرهنگی که الگویی از یک تبعیض ساختاری است افراد به انواع اشتغال و نقش‌های اجتماعی بر مبنای ویژگی‌ها یا مشخصه‌های فرهنگی قابل مشاهده گماشته می‌شوند. این تعامل موجب ایجاد یک ساختار اجتماعی حاکم و محکوم یا مسلط و تحت سلطه می‌شود. در این میان، واکنش مناطق محروم نسبت به مناطق بهره‌مند که در اکثر موارد حکومت مرکزی مسئول دانسته می‌شود، دشمنانه خواهد بود. در چنین موقعیتی وجود تنازعات قومی می‌تواند مبنایی برای شکل‌گیری همبستگی یا منازعه قومی به عنوان عکس‌العمل در مقابل این استعمار باشد؛ در واقع با تقسیم کار فرهنگی، مرزهای قومی به پیوستن با خطوط تمایزات ساختاری گرایش یافته و همبستگی‌های قومی افزایش می‌یابند. به عبارتی بیشتر شدن نابرابری‌های اقتصادی میان گروه‌ها، احتمال همبستگی و ستیزه‌های قومی را افزایش می‌دهد (نیلسن، ۱۹۹۵: ۱۳۵).

تعصب قومی و مذهب

دیوید مایر (۱۹۹۳) در یک نظریه ترکیبی برای تبیین و علت‌یابی تعصب قومی به پنج دسته از عوامل یا منابع تعصب اشاره می‌کند. نابرابری‌های اجتماعی که بر اساس این دیدگاه نابرابری در منزلت، به وجود آورنده تعصب است. تعصب و تبعیض یکدیگر را تقویت می‌کنند. تبعیض تعصب را تولید می‌کند و تعصب، تبعیض را مشروعیت می‌بخشد و موجب احساس تنفر از گروه حاکم و پرخاشگری

^۱ Nielsen

علیه آن می‌شود، اما مذهب نقش متفاوت و متناقض‌نمایی بر روی تعصب دارد. در همین راستا صرف تجربه و ادراک فرد از اینکه در گروه «ما» یا «آنها» است، می‌تواند تمایلات و تبعیضات درون گروهی او را افزایش دهد، یعنی این تمایل را در فرد تقویت می‌کند که خصوصیات گروه خودش را مطلوب و مطبوع بداند، بر گروه خودش بی‌بالد و یا از برون گروه بیزاری بجویند. در این معنا، غرور و افتخارات قومی می‌تواند خود سبب تقویت تعصبات قومی شود. (صالحی، ۱۳۸۶: ۲۸)

حمایت‌های نهادی نیز یکی از منابع تعصب است، تفکیک و جداسازی یکی از روش‌هایی است که بدان وسیله نهادهای اجتماعی (مدارس، حکومت و وسایل ارتباط جمعی) سبب حفظ و تقویت تعصبات می‌شوند. رهبران سیاسی نیز ممکن است از طریق انعکاس و تقویت گرایش‌های غالب در جامعه، به تعصبات خود دامن بزنند. مدارس، رادیو و تلویزیون نیز از جمله نهادهایی هستند که متضمن و مقوم گرایش‌های فرهنگی غالب در جامعه هستند این خود باعث تقویت تعصبات در جامعه می‌شود (صالحی، ۱۳۸۶: ۲۹).

فرهنگ کار

فرهنگ کار به مجموعه ارزش‌ها، باورها و دانش‌های مشترک و پذیرفته شده یک گروه گفته می‌شود که در انجام فعالیت‌های هدفمند آن گروه به کار گرفته می‌شود. به عبارت دیگر، اینکه در وجود کارکنان یک سازمان چه ارزش‌ها و نگرش‌هایی درونی شده و مورد پذیرش جمعی قرار گرفته است، فرهنگ کاری آن سازمان را معرفی می‌کند (جعفری و حبیبی، ۱۳۸۱: ۳). گیدنز نیز فرهنگ را ارزش‌هایی می‌داند که اعضای یک گروه معین دارند و در همین راستا از هنجارهایی پیروی کرده و کالای مادی تولید می‌کنند (گیدنز، ۱۳۸۳: ۳۶). بنابر تعریف او مفهوم کار در فرهنگ تعریف می‌شود.

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- اعتماد اجتماعی افراد شاخص قابل قبولی برای توسعه پایدار در شهر اهواز است.
- ۲- فرهنگ کار افراد شاخص قابل قبولی برای توسعه پایدار در شهر اهواز است.
- ۳- تعهد اجتماعی افراد شاخص قابل قبولی برای توسعه پایدار در شهر اهواز است.
- ۴- انگیزه و میل به پیشرفت افراد شاخص قابل قبولی برای توسعه پایدار در شهر اهواز است.
- ۵- میزان تعصب افراد شاخص قابل قبولی برای توسعه پایدار در شهر اهواز است.
- ۶- میزان مذهبی بودن افراد شاخص قابل قبولی برای توسعه پایدار در شهر اهواز است.
- ۷- تحصیلات افراد شاخص قابل قبولی برای توسعه پایدار در شهر اهواز است.
- ۸- مشارکت اجتماعی افراد شاخص قابل قبولی برای توسعه پایدار در شهر اهواز است.

روش پژوهش

بر اساس پارادایم و معرفت علمی پژوهش، روش کمی از نوع پیمایش برای سنجش متغیرهای مورد بررسی در این پژوهش انتخاب شد. جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش از طریق مراجعه مستقیم پژوهشگر به پاسخگویان و ارایه پرسشنامه به آنها، انجام گرفته است. پرسشنامه مورد استفاده در این پژوهش محقق ساخته است. در این پژوهش، هر کدام از شهروندان ۱۵ تا ۶۰ ساله ساکن در شهر اهواز، واحد تحلیل پژوهش محسوب می‌شوند. جامعه آماری پژوهش شامل تمام افراد زن و مرد ۱۵ تا ۶۰ ساله ساکن در شهر اهواز هستند و حجم نمونه به صورت سهمیه‌ای چند مرحله‌ای در مناطق ۸ گانه شهر اهواز انتخاب شده است. انتخاب سهمیه‌ها در این بررسی بر اساس شرایط جغرافیایی صورت گرفته است؛ یعنی نمونه‌ها دارای پراکندگی در چهار گوشه شهر قرار دارند. شیوه نمونه‌گیری و انتخاب تعداد نمونه‌ها بر اساس فرمول کوکران با احتساب بیشترین پراکندگی به شکل زیر انجام گرفته است.

$$N = 788229 \quad d = 0.05 \quad q = 0.5 \quad P = 1.96t =$$

$$n = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)} = \frac{\frac{2^2 * 0.5 * 0.5}{0.05^2}}{1 + \frac{1}{788229} \left(\frac{2^2 * 0.5 * 0.5}{0.05^2} - 1 \right)} = 384$$

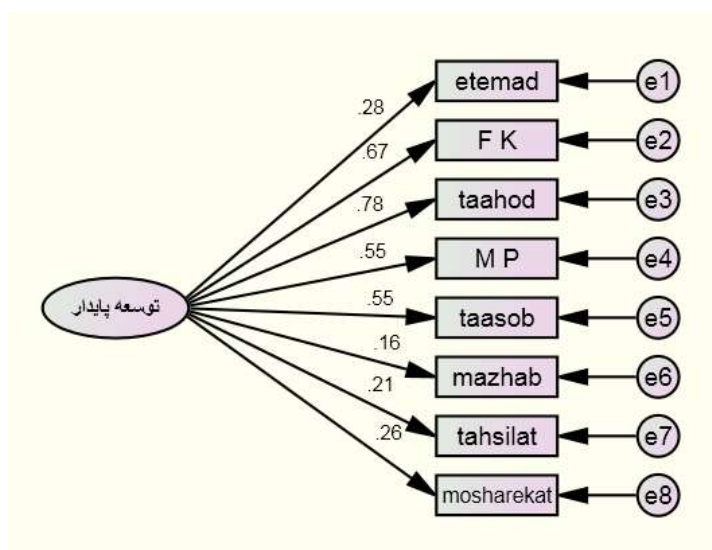
بنابراین ۴۱۰ عدد پرسشنامه در بین پاسخگویان توزیع شد و از این تعداد ۴۰۰ عدد برگشت داده شده و براساس نحوه تکمیل آنها تعداد ۳۸۴ عدد مبنای تحلیل این پژوهش قرار گرفتند. به منظور سنجش سازگاری درونی گویه‌ها از آلفای کرونباخ استفاده شده است. برای انجام پردازش اطلاعاتی از نرم‌افزار آماری SPSS و Amos Graphics استفاده شده است. بر اساس هدف پژوهش که آیا متغیرهای مستقل شاخص‌های قابل قبولی برای توسعه پایدار در شهر اهواز هستند، از مدل تحلیل عاملی استفاده شده است و متغیر وابسته (توسعه پایدار) شامل همه شاخص‌های تبیین کننده توسعه پایدار قلمداد شده است. آزمون مدل نشان دهنده اثر ترکیبی متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته است و نشان دهنده میزان تغییراتی از متغیر وابسته است که توسط متغیرهای مستقل موجود در پژوهش، تبیین می‌شود.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های استنباطی پژوهش بر سنجش یک مفهوم مبنایی به نام توسعه پایدار تاکید دارند. بر اساس رویکردهای نظری موجود برای سنجش توسعه پایدار شاخص‌های متعددی وجود دارند که در این پژوهش مولفه‌های اعتماد اجتماعی، فرهنگ کار، تعهد اجتماعی، انگیزه و میل به پیشرفت، میزان تعصب قومی، میزان تعصب مذهبی، تحصیلات و مشارکت اجتماعی به عنوان تعیین کننده‌های اصلی توسعه پایدار به کار رفته‌اند و در بحث مدل‌سازی سهم هریک از این مولفه‌ها در تبیین میزان توسعه پایدار در شهرستان اهواز مشخص شده‌اند و نتایج به صورت مدل به کار گرفته شده‌اند.

بررسی شاخص‌های برازش مدل

به منظور تعیین شدت و جهت تأثیر متغیرهای مستقل بر میزان توسعه پایدار در اهواز از یک مدل تحلیل عاملی مرتبه اول بهره گرفته شده است که این مدل، یک مدل اندازه‌گیری بوده و جزیی از مدل ساختاری است که نحوه سنجش یک متغیر پنهان را با استفاده از دو یا تعداد بیشتری متغیر مشاهده شده تعریف می‌کند. همچنین می‌توان گفت در مدل اندازه‌گیری مشخص می‌شود که تعداد متغیرهای مشاهده شده برای یک متغیر پنهان تا چه حد تحت تأثیر متغیر پنهان مورد نظر و تا چه حد تحت تأثیر متغیر خطا هستند. همچنین یافتن یک مدل نظری که به لحاظ آماری معنادار و همچنین دارای معنا و مفهوم نظری و کاربردی باشد، هدف اولیه بکارگیری مدل‌سازی معادله ساختاری است. در روش تحلیل عاملی برای ارزشیابی برازندگی مدل، معیارهای زیادی وجود دارد. در جدول (۱) زیر این معیارها به همراه میزان مورد قبول و مقدار به دست آمده برای مدل پژوهش ارائه شده است. این شاخص‌ها بیان شده برازندگی مدل طراحی شده را نشان می‌دهند که نشان دهنده برازندگی و تناسب خوب مدل است. به عبارتی مدل نظری پژوهش تایید می‌شود. از آنجایی که این مدل توسط شاخص‌های برازندگی تایید شد، بنابراین می‌توان از آن برای آزمون فرضیه‌ها استفاده کرد.



نمودار (۱): مدل تحلیل عاملی مرتبه اول برای تبیین توسعه پایدار در اهواز

جدول (۱): شاخص های برازندگی مدل نهایی

تفسیر شاخص	برآزش قابل قبول	مقدار بدست آمده	نماد	شاخص برآزش	
با توجه به اینکه مقدار محاسبه شده بیشتر از ۰,۷ است، برآزش مدل مورد تایید است.	بزرگتر از ۰,۷	۰,۸۴۹	GFI	شاخص نیکویی برآزش	شاخص های برآزش مطلق
با توجه به اینکه مقدار محاسبه شده بیشتر از ۰,۷ است، برآزش مدل مورد تایید است.	بزرگتر از ۰,۷	۰,۷۱۹	AGFI	شاخص نیکویی برآزش تعدیل شده	
با توجه به اینکه مقدار محاسبه شده بیشتر از ۰,۷ است، برآزش مدل مورد تایید است.	بزرگتر از ۰,۷	۰,۶۶۷	TLI	شاخص برآزش هنجار نشده	شاخص های برآزش تطبیقی
با توجه به اینکه مقدار محاسبه شده بیشتر از ۰,۷ است، برآزش مدل مورد تایید است.	بزرگتر از ۰,۷	۰,۷۹۱	CFI	شاخص برآزش تطبیقی	
با توجه به اینکه مقدار محاسبه شده بیشتر از ۰,۷ است، برآزش مدل مورد تایید است.	بزرگتر از ۰,۷	۰,۸۰۸	IFI	شاخص برآزش افزایش	
با توجه به اینکه مقدار محاسبه شده بیشتر از ۰,۵ است، برآزش مدل مورد تایید است.	بزرگتر از ۰,۵	۰,۶۲۸	PNFI	شاخص برآزش مقتصد هنجار شده	شاخص های برآزش مقتصد
با توجه به اینکه مقدار محاسبه شده کمتر از ۰,۱ است، برآزش مدل مورد تایید است.	کوچکتر از ۰,۱	۰,۹۹۵	RMSEA	ریشه میانگین مربعات خطا برآورد	
با توجه به اینکه مقدار محاسبه شده کمتر از ۳ است، برآزش مدل مورد تایید می شود.	مقدار بین ۱ تا ۳	۲,۳۷	CMIN/df	نسبت کای دو به درجه آزادی	

نتایج آزمون فرضیه های تحقیق

اگر مدلی که به شکل نمودار ترسیم می گردد توسط شاخص های برازندگی مدل تایید شود، از آن نمودار می توان برای آزمون فرضیه ها در مورد وجود رابطه علی بین متغیرهای موجود در نمودار استفاده کرد. از آنجا که مدل توسط شاخص های برازندگی تایید شده است، بنابراین می توان از مدل برای آزمون فرضیات تحقیق استفاده کرد. نتایج حاصل از تحلیل اطلاعات آماری فرضیات فوق با کمک نرم افزار آموس محاسبه شده است.

جدول (۲): نتایج آزمون فرضیه های پژوهش

نتیجه فرضیه	سطح معناداری	مقدار بحرانی	خطای معیار	برآورد	فرضیات پژوهش
تایید	***	4.118	.148	.554	اعتماد اجتماعی <---
تایید	***	9.554	.260	2.487	فرهنگ کار <---
تایید	***	9.690	.304	2.943	تعهد اجتماعی <---
تایید	***	9.223	.230	2.120	انگیزه و میل به پیشرفت <---
تایید	***	9.204	.250	2.305	میزان تعصب قومی <---
رد	.170	1.372	.016	.022	میزان مذهبی بودن <---
تایید	***	6.004	.130	.780	تحصیلات <---
تایید	***	6.870	.092	.631	مشارکت اجتماعی <---

در تحلیل مدل فوق هشت متغیر مشاهده شده وجود دارد که این متغیرها از تجمیع گویه های مختلفی حاصل شده اند. متغیرهای مشاهده شده شامل ۸ متغیر مستقل اصلی پژوهش هستند که به اختصار با (etemad) اعتماد اجتماعی، (F K) فرهنگ کار، (taahod) تعهد اجتماعی (M P) انگیزه و میل به پیشرفت، (taasob) تعصب و تعلق به ویژگی های سنتی و بومی، (mazhab) اعتقادات مذهبی، (tahsilat) تحصیلات و (mosharekat) مشارکت اجتماعی مشخص شده اند که برای تبیین متغیر وابسته توسعه پایدار در اهواز به کار رفته اند. متغیرهای خطای e1 تا e8 نماد خطای اندازه گیری ۸ متغیر مشاهده شده برای متغیرهای مستقل هستند. در مدل فوق

با توجه به جهت پیکان‌ها از سمت متغیر پنهان به سمت متغیر مشاهده شده که معرف آن متغیر پنهان است، بیانگر این نکته روش شناختی است که نمره هر پاسخگو در متغیر مشاهده شده تحت تأثیر وضعیتی است که آن پاسخگو در در متغیر پنهان زیر بنایی مرتبط با متغیر مشاهده شده دارد. به عبارت دیگر، می‌توان گفت وجود توسعه پایدار در جامعه اهواز چقدر به خاطر وجود این متغیرهاست. برای مثال در نمودار فوق می‌توان ادعا کرد که تعهد اجتماعی افراد بالاترین ضریب همبستگی با نمرات توسعه پایدار در اهواز را دارد که این مقدار (۰/۷۸) است که بیشترین مقدار در مدل است و در همین راستا میزان مذهب سهم کمتری را به خود اختصاص داده است و تأثیری بر توسعه پایدار نداشته است.

بحث و نتیجه‌گیری

توسعه پایدار از آمیزش مفاهیم (محیط زیست) و توسعه به وجود آمده است. این رویکرد از نظر معرفتی از نظریه نظام‌های بوم شناختی مایه گرفته و هدفش دستیابی به سطوح تازه‌ای از نظارت و کنترل اداری بر بهره‌برداری از محیط و منابع است. صاحب‌نظران تعریف‌های متعددی از توسعه پایدار ارائه داده‌اند. برخی معتقدند توسعه پایدار توسعه‌ای است که نیازهای زمان حال و بدون اینکه توانایی نسل‌های آینده را در تأمین نیازهایشان به مخاطره اندازه، فراهم کند (کمسیون جهانی محیط زیست و توسعه^۱، ۱۹۸۷). عده‌ای دیگر با لحاظ کردن مفهوم عدالت، توسعه پایدار را مفهوم جدیدی از رشد اقتصادی قلمداد کرده‌اند که عدالت و امکانات زندگی را برای تمامی جهانیان و نه برای تعداد اندکی از افراد برگزیده، به ارمغان می‌آورد و همچنین این رشد بدون پیامدهای مخرب و نه بیش از ظرفیت منابع محدود جهان است (رحمانی، ۱۳۷۲: ۸۲). در تعریف عام توسعه پایدار به عنوان یک فرایند لازمه بهبود و پیشرفت است، فرایندی که اساس بهبود وضعیت و از برنده کاستی‌های اجتماعی-فرهنگی جوامع است. همچنین از توسعه پایدار به منزله نیروی محرکه پیشرفت متعادل، متناسب و هماهنگ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تمامی کشورها به ویژه کشورهای در حال رشد نیز یاد شده است (اسلامی، ۱۳۷۶: ۴۴). توسعه پایدار، توسعه‌ای درون‌زا و نظام‌مند و متعادل است که بینشی سیستمی را در همه رشته‌ها مطرح می‌سازد. از طرف دیگر توسعه پایدار حالت کامل برنامه‌های توسعه است که با دیدی کلی‌نگر و نیز با تأکید بر بینش سیستمی سعی دارد یک رهیافت تعادل‌بخشی را دنبال کند (لطیفی، ۱۳۸۰: ۱۳۹) توسعه پایدار که مفهوم عدالت را در طول زمان و همچنین در عرض زمان در بر دارد، می‌تواند به عنوان آرمان و مقصد نهایی این نوع از ضوابط و مقررات قرار گیرد (صالحی، ۱۳۸۵: ۵۱). آنچه محیط شهرهای امروزی را تهدید می‌کند قبل از آنکه ناشی از عدم شناخت محیطی افراد باشد، حاصل فرهنگ و استفاده ناصحیح از محیط است و این اصل بخش عمده‌ای از ناپایداری‌ها را در توسعه باعث شده است، همچنین توسعه پایدار که هدف برتر کشورهای در حال توسعه است، بدون برنامه‌ریزی در زمینه آگاهی و آموزش جمعیت که ارکان مهم توسعه محسوب می‌شوند، امکان‌پذیر نیست. کارشناسان اجتماعی بر این باورند که در توسعه پایدار شهری نه تنها توسعه اقتصادی باید مورد توجه قرار گیرد؛ بلکه مسایلی نظیر موضوع‌های زیست محیطی و نیازهای اجتماعی و فرهنگی جمعیت، باید مهم تلقی شود و همه موضوعات اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی در کنار یکدیگر گام بردارند. بنابراین نمی‌توان از توسعه پایدار سخن گفت، اما به مسایلی نظیر حفظ محیط زیست بی‌توجه بود. نمی‌توان به توسعه پایدار اندیشید، اما فقط بخش صنعت و یا بخش کشاورزی را مورد توجه قرار داد. در این میان رسالت علوم انسانی بیش از سایر رشته‌های فنی و مهندسی در چنین شناختی آشکار می‌شود و توجه به آن در دستیابی به توسعه پایدار محرز می‌گردد. اندیشمندان علوم انسانی با بررسی و شناخت مفاهیم، نظریه‌ها و شاخص‌های توسعه پایدار، نقش به‌سزایی در رسیدن به این مهم را ایفا می‌کنند. پس از بررسی و مطالعه شاخص‌های توسعه شهری می‌توان به این نتیجه رسید؛ که بطور کلی هدف از مطرح کردن مفهوم توسعه پایدار، اصلاح و تکامل مفهوم توسعه از توسعه کمی به توسعه پایدار شهری بوده است. همچنین اهمیت جنبه‌های اجتماعی در عرصه شهری به حدی رسیده که یکی از ویژگی‌های شهر پایدار، پایداری اجتماعی و کیفیت بالای زندگی، عنوان شده است. با این معنا که شهر پایدار به موازات توجه به مسائل زیست محیطی باید به مسائل اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و ارتباطی نیز

¹ World Commission on Environment and Development

توجه داشته باشد. بر همین اساس توسعه پایدار شکل همگونی از توسعه در همه زمینه‌هاست که باید با گام‌هایی بر مبنای اندیشه و برنامه ریزی شده به پیش رود. در این میان نقش و اهمیت مردم بر کسی پوشیده نیست، زیرا توسعه برای مردم است که باید به دست آنها انجام شود. برنامه‌ریزان اجتماعی و اقتصادی فقط می‌توانند مسیرها را تبیین کنند، اما این مردم هستند که در نهایت مسیرها را می‌پیمایند تا به فرآیند توسعه پایدار دست یابند، نتایج پیمایشی این پژوهش نیز گویای این واقعیت است. حرکت‌های مردمی برای رشد و توسعه مسیرهای طولانی را در بسیاری از کشورها طی کرده است، جنبش‌هایی با شعار حفاظت از محیط‌زیست از مهمترین تحولات سال‌های پایانی قرن حاضر هستند که در اندیشه و عمل آثار عمیق و وسیعی را در عرصه جهانی به دنبال داشته‌اند. امروزه عقیده بسیاری از اندیشمندان و دانشمندان بر این است که در قرن بیستم به ویژه با اوج‌گیری توانایی‌های ابزاری بشر، تعادل زیست محیطی جهان به زیان طبیعت به هم خورده است. نظریه توسعه پایدار حاصل بحث‌های طرفداران محیط زیست درباره مسایل زیست محیطی بخصوص حفظ آن برای آیندگان است. این نظریه‌ها موضوع‌هایی از قبیل جلوگیری از آلودگی‌های محیطی و ناحیه‌ای، کاهش ظرفیت‌های تولید محلی، ناحیه‌ای و ملی، حمایت از بافت‌ها و عدم حمایت از توسعه‌های زیان‌آور و از بین بردن شکاف میان فقر و غنی را مطرح می‌کند. شاخص‌های توسعه با هم رابطه کارکردی و تکمیلی دارند، عدم تعادل بین آنها به بی‌سازمانی و بی‌ثباتی جامعه می‌انجامد. نتایج در این پژوهش نیز بر همین مبناست، چرا که نتایج آماری گویای وجود رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته است و اثر تمامی ضرایب بجز متغیر میزان مذهبی بودن معنادار بوده است. بر اساس یافته‌های نظری این رابطه‌ها منطقی به نظر می‌رسد و در بسیاری از کشورهای در حال توسعه این رویه حاکم است. همچنین نتایج پژوهش در مدل عاملی تاییدی نشان می‌دهد که هشت متغیر مشاهده شده شامل ۸ متغیر مستقل اصلی پژوهش هستند که برای تبیین متغیر وابسته توسعه پایدار در اهواز به کار رفته‌اند. به عبارت دیگر می‌توان گفت وجود توسعه پایدار در جامعه اهواز چقدر به خاطر وجود این متغیرهاست. در کل مجموعه برآوردهای استاندارد برای وزن‌های رگرسیونی شامل بارهای عاملی نشان می‌دهد که اثر شاخص‌های اعتماد اجتماعی، فرهنگ کار، انگیزه و میل به پیشرفت، تعصب و تعلق به ویژگی‌های سنتی و بومی، تحصیلات و مشارکت اجتماعی بر توسعه پایدار در اهواز معنادار است. بنابراین باید گفت که مقدمه توسعه پایدار در شهر اهواز مستلزم وجود اعتماد اجتماعی، فرهنگ کار، انگیزه و میل به پیشرفت، تعصب و تعلق به ویژگی‌های سنتی و بومی، تحصیلات و مشارکت اجتماعی است و بدون تحقق این عوامل، اساساً انتظار تحقق توسعه پایدار بی‌معنی خواهد بود.

منابع

۱. ازکیا، مصطفی. (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی توسعه، تهران: نشر قطره.
۲. ازکیا، مصطفی. (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستاهای ایران. چاپ ششم. انتشارات اطلاعات.
۳. ازکیا، مصطفی و غفاری غلامرضا. (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی توسعه، تهران: نشر کلمه، چاپ سوم.
۴. اکبری، نعمت‌اله. (۱۳۷۸). مجموعه مقالات مباحثی از توسعه اقتصادی در ایران، نگرش متدولوژیک بر تفاوت و تعدد در مفاهیم توسعه، اصفهان: نشر هشت بهشت.
۵. بلانت، دان و مارک جکسون. (۱۳۷۳). اقتصاد کار و نیروی انسانی، محسن رنایی، انتشارات فلاح ایران.
۶. پرانک، ژان، الحق، محبوب. (۱۳۸۰). گزارش لاهه پیش زمینه توسعه پایدار (از فکر تا عمل)، مجله محیط‌شناسی، شماره ۲۸.
۷. پورافکاری، نصراله. (۱۳۹۱) نگرشی جامعه‌شناختی بر سرمایه اجتماعی و توسعه پایدار در شوشتر، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی، سال ششم، شماره (۱۷)، تابستان ۱۳۹۱
۸. تودارو، مایکل. (۱۳۸۲). توسعه اقتصادی در جهان سوم، دکتر غلامرضا فرجادی، موسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه.
۹. جعفری، مصطفی و حبیبی، محمد. (۱۳۸۱). فرهنگ کار، نشریه مدیریت تدبیر شهریور (۱۳۸۱ - شماره ۱۲۵، ۶ صفحه - از ۷۰ تا ۷۵)

۱۰. حکیمی‌نیا، بهزاد، نسرین قلانی، سید محسن خلیفه سلطانی (۱۳۹۰) بررسی جامعه‌شناختی شاخص‌های کیفی توسعه انسانی کشورهای مسلمان با درآمد نفتی و غیر نفتی با تاکید بر جایگاه ایران، فصلنامه تخصصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال پنجم — شماره سیزدهم، تابستان ۱۳۹۰.
۱۱. رحیمی، حسین. (۱۳۷۸). توسعه پایدار شهری با تکیه بر توانهای محیطی شهرستان کاشمر، رساله دکتری به راهنمایی دکتر شکوهی، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۲. رضوانی، محمد رضا. (۱۳۸۳). مقدمه ای بر برنامه ریزی توسعه روستایی در ایران، تهران: نشر قومس، چاپ اول.
۱۳. رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۳). سنجش و تحلیل سطوح توسعه یافتگی نواحی روستایی در شهرستان سنندج با استفاده از GIS، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای، دانشگاه فردوسی، شماره سوم، مشهد، ۱۴۹ تا ۱۶۴.
۱۴. رهنمایی، محمد تقی، سید موسی پور موسی (۱۳۸۵). بررسی ناپایداری امنیتی کلانشهر تهران بر اساس شاخص‌های توسعه پایدار شهری، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵۷ ص ۱۸۱-۱۷۴.
۱۵. زاهدی، شمس السادات، (۱۳۸۲)، چالش‌های توسعه پایدار از منظر اکوتوریسم، مدرس علوم انسانی، پاییز ۱۳۸۲، سال ۷، شماره ۳، ص ۸۹-۱۰۳.
۱۶. زاهدی، شمس السادات و غلامعلی نجفی، (۱۳۸۵). بسط مفهومی توسعه پایدار، مجله مدرس، دوره دهم، شماره چهارم (پیاپی ۴۹)، ص ۷۶-۴۳.
۱۷. سازمان برنامه و بودجه جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۷۷). در سایت: <http://dastour.ir>
۱۸. ساتوس دوس و همکاران. (۱۳۵۸). توسعه و توسعه نیافتگی، ترجمه فرخ حسامیان، نشر ایران.
۱۹. سلامی، رضا. (۱۳۷۶). بررسی اجمالی توسعه پایدار، نشریه: اطلاع رسانی و کتابداری «رهیافت» زمستان ۱۳۷۶ - شماره ۱۷ (۷ صفحه - از ۴۴ تا ۵۰).
۲۰. صادقی ده چشمه، ستار. (۱۳۸۰). بررسی جامعه شناختی موانع اجتماعی فرهنگی توسعه در شهرستان فارس، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، استاد راهنما: دکتر نصراله پورافکاری - دکتر رسول ربانی.
۲۱. صالحی، سیدرضا. (۱۳۸۶). تنوع فرهنگی و همبستگی ملی، تهران: گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی پژوهشکده تحقیقات استراتژیک (پژوهشنامه شماره ۸). بهار ۱۳۸۶.
۲۲. صرافی، مظفر. (۱۳۷۹). شهر پایدار چیست؟، دو فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۹.
۲۳. صمدی، علی حسین، (۱۳۸۸) سرمایه اجتماعی و توسعه مالی: اقتصاد ایران (۱۳۵۰-۱۳۸۵)، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۸۸، پاییز ۸۸ صفحات ۱۱۷-۱۴۴، (۱۱۷).
۲۴. ضرابی، اصغر و نازنین تبریزی (۱۳۹۰). تعیین سطح توسعه یافتگی شهرستان‌های استان مازندران - رویکرد تحلیل عاملی، فصلنامه آمایش محیط، شماره ۱۲، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ملایر، ۶۳ تا ۷۷.
۲۵. طالب، مهدی (۱۳۸۳). جامعه شناسی روستایی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۶. عنبری، موسی. (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی توسعه از اقتصاد تا فرهنگ، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت). چاپ اول.
۲۷. فراهانی، عاطفه. (۱۳۸۶). مطالعات قومی: مفاهیم و نظریات، تهران: گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی پژوهشکده تحقیقات استراتژیک (پژوهشنامه شماره ۸). بهار ۱۳۸۶.
۲۸. کیت گریفین، (۱۳۸۲). راهبردهای توسعه اقتصادی، حسین راغفر، محمدحسین هاشمی، نشر نی.
۲۹. محسنیان راد، مهدی. (۱۳۷۴). ارتباط جمعی و توسعه روستایی، تهران: معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی.
۳۰. مرصوصی، نفیسه. (۱۳۸۳). توسعه یافتگی و عدالت اجتماعی شهر تهران، پژوهشهای اقتصادی، زمستان ۱۳۸۳، ۴(۱۴): ۱۹-۳۲.
۳۱. مطیعی لنگرودی، حسن (۱۳۸۴): برنامه ریزی روستایی با تاکید بر ایران، چاپ دوم، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.
۳۲. مطیعی لنگرودی، سیدحسن و ابراهیم شمسایی (۱۳۸۸): توسعه و کشاورزی پایدار (از دیدگاه اقتصاد روستایی)، انتشارات دانشگاه تهران.
۳۳. مکنون، رضا و دیگران. (۱۳۷۶). تحقیقات و توسعه پایدار، فصلنامه رهیافت، زمستان ۱۳۷۶.
۳۴. مکنون، رضا. (۱۳۷۶). مبانی برنامه‌ریزی توسعه پایدار، دومین همایش کشوری - نگرش بلندمدت به برنامه‌های توسعه پایدار با تاکید بر محیط زیست، تهران (مجموعه مقالات) ۱۸-۱۷ آذر ۱۳۷۶ (مجموعه مقالات).
۳۵. میراب زاده، پرستو؛ شاخص‌های پایایی، مجله محیط زیست، جلد ۷، ش ۲، ۱۳۷۴.
۳۶. نوابخش، مهرداد و ارجمند سیاهیوش، اسحاق. (۱۳۸۸). مبانی پایدار توسعه شهری، تهران، انتشارات جامعه شناسان.
۳۷. هریسون، دیوید. (۱۳۷۶). جامعه شناسی نوسازی و توسعه، ترجمه دکتر علیرضا کلدی، ناشر دانشگاه علوم بهزیستی.

38. Anchorena, J. and F. Anjos (2008), Social Ties and Economic Development, Working Paper, Electronic Copy Available at: <http://ssrn.com/abstract>.
39. Cities Alliance, (2006). Guide to City Development Strategies; Improving Urban Performance, Washington D.C., 20433, U.S.A. First printing June 2006
40. Cozens, P M, (2002) Viewpoint Sustainable Urban Development and Crime Prevention Through Environmental Design for the British City. Towards an Effective Urban Environmentalism for the 21st Century, www.elsevier.com/locate/eiar.
41. David C. McClelland and David G. Winter. Motivating Economic Achievement. New York: Free Press, 1969. Pp. 409
42. David C. McClelland. (1961). The Achieving Society, Publisher: D. Van Nostrand Place of publication: Princeton, NJ Publication year: 1961
43. Desjeux, D. (1990) Essay on Training in Culture. Paris: UNESCO Publications.
44. Fedderke, J., R. De Kadt and J. Luiz (1999), "Economic Growth and Social Capital: a Critical Reflection," Theory and Society, 28, 709-745.
45. François, P. (2002), Social Capital and Economic Development, Rutledge, First Published.
46. Gibson, R.B. (2001) 'Specification of sustainability-based environmental assessment decision criteria and implications for determining 'significance' in environmental assessment', Canadian Environmental Assessment Agency Research and Development Programme, Ottawa.
47. Grootaert, C. and T. Bastelaert (2002), the Role of Social Capital in Development, Cambridge: Cambridge Univ. Press.
48. Hagen, Everett E. (1967). On the Theory of Social Change. Homewood, Ill.: Dorsey.
49. Hoselitz, Berthold F. (1960). Sociological Aspects of Economic Growth. New York: Free Press.
50. Inglehart, Ronald (1997). Modernization and Postmodernization: Cultural, Economic, and Political Change in 43 Societies. Princeton, NJ: Princeton University Press.
51. Kemp, René; Parto, Saeed. (2005). Governance for sustainable development: moving from theory to practice, Int. J. Sustainable Development, Vol. 8, Nos. 1/2, 2005
52. Lerner, Daniel. (1958). the Passing of Traditional Society: Modernizing the Middle East. Second Printing. Glencoe, Ill.: Free Press.
53. Luthans, F., Hodgetts, R. M., & Rosenkrantz, S. A. (1988), Real Managers, Cambridge, MA: Ballinger.
54. McClelland, D.C., Atkinson, J.W., Clark, R.A., and Lowell, E.L. (1961). The Achievement Motive. NY: Appleton-Century-Crofts
55. McClelland, David C. (1978). "Managing motivation to expand human freedom". American Psychologist. 33 (3): 201–210. doi:10.1037/0003-066x.33.3.201.
56. Misra, R. P. and A. L. Mabogunje (1981), Regional Development Alternatives: International Perspectives, Tokyo: Maruzen Co. Ltd.
57. Moore, B. (1997): social origins of dictatorship and democracy, Boston, Beacon press
58. Nielsen, F. (1995), "Towards a Theory of Ethnic Solidarity in Modern societies", American Sociological Review, vol 50, No 2. PP. 133-149.
59. Prize, R. Williams, A. (2006); Environmental Planning for Sustainable Urban Development, Exhibition at Chaguaramas, pp 2-6, October, <http://www.bvsde.paho.org>.
60. Roseland, mark, 2003, dimension of eco-city, cities.
61. The Cities Alliance, (2006). Guide to City Development Strategies, Washington D.C., 20433, U.S.A. <http://www.citiesalliance.org>
62. The Oxford English Dictionary. (2012). Second Edition, Oxford University Press